

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد / بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم / از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

برگرفته از: سایت روسی «بنیاد فرهنگ ستراتیژیک»، ۵ سپتامبر ۲۰۲۲*
نویسنده: ولادیمیر مالیشیف
برگردان: ک. رادین
۲۹ اکتوبر ۲۰۲۲

فاجعه اروپا – هیچ رهبری وجود ندارد

زنده بمانید و گلیم خود را از آب بیرون بکشید



رسانه‌های غرب به‌طور فزاینده‌ای در مورد انحطاط محافل حاکم در کشورهای خود، درباره غیبت و فقدان رهبران سیاسی واقعی می‌نویسند. «فرانکوردی» در مجله اینترنتی بریتانیایی «Spiked» (مجله آنلاین بریتانیایی که به سیاست، فرهنگ و جامعه می‌پردازد. این مجله در سال ۲۰۰۱ تأسیس شد. مترجم) می‌گوید: «در سال‌های آینده از رهبران و دیپلمات‌های ما فقط می‌توان انتظار اشتباه و خودزنی را داشت». وی ادامه می‌دهد: «این حقیقت که رهبران غربی شکست خورده‌اند، به‌طور کامل در جریان خروج ناموفق نیروهای امریکائی از افغانستان نشان داده شد. هر چقدر هم که دردناک باشد، بدیهی است که تشکیلات سیاسی ایالات متحده امریکا فاقد منابع فکری، صراحت و وحدت برای رهبری صحنه جهانی است. به‌نظر می‌رسد هنر حکومت‌داری بدون هیچ اثری ناپدید شده است. به‌عنوان مثال، سفر «نانسی پلوسی» به تایوان در این ماه را در نظر بگیرید. این اقدام احمقانه و بیهوده غیرقابل تصور نشان می‌دهد که حتی سیاستمدارانی که دارای مناصب بالا هستند، تعهد خود را به دیپلماسی از دست داده‌اند. ظاهراً او را به‌ویژه این واقعیت که سفر یک مقام عالی‌رتبه به منطقه، مطمئناً چین را خشمگین می‌کند نگران نمی‌کرد. کشوری که بزرگترین مشکل برای امنیت ایالات متحده امریکا است. ماجراجوئی تحریک‌آمیز «پلوسی» نه تنها تشنج‌ها را در رابطه با چین، درست در زمانی که امریکا با روسیه درگیر شده بود، تشدید کرد بلکه ناتوانی رئیس‌جمهور امریکا را نیز نشان داد. با این وجود ایالات متحده امریکا کشوری با منابع زیاد است، غلبه بر بحران فعلی برای آن آسان‌تر است، حتی با وجود یک «رئیس جهانی» تنبل و بی‌حالی در شخص «جو بایدن».

اروپا در موقعیت متفاوتی قرار دارد. این کشور عملاً هیچ منبع طبیعی از خود ندارد، در اتحادیه اروپا تفتت و نابسامانی وجود دارد و خارج شدن از موقعیت اقمار و اشنگتن ممکن نیست. روزنامه کاتولیکی فرانسوی «La Croix» می‌نویسد که الگوی توسعه اروپا توسط واقعیت‌های قرن بیست و یکم درهم شکسته شده است. این روزنامه نیز مانند «اسپایکد» معتقد است که ریشه شر، فقدان رهبران نیرومند و توانا برای عمل است.

نیویورک تایمز خاطرنشان می‌کند، که «اولاف شولتز»، صدراعظم آلمان، در تلاش است تا جای رهبر را در دنیای قدیم بگیرد، اما موفق نمی‌شود. این روزنامه ضمن توضیح سخنرانی اخیر «شولتز» در پراگ، جایی که صدراعظم از برنامه‌های آلمان برای ایفای نقش برجسته‌تر در اروپا خبر داد، خاطرنشان می‌کند: «تلاش آقای "شولتز" برای ارائه یک چشم‌انداز بزرگ با شکست مواجه شده و حکایت از ناتوانی او در پُر کردن خلأ رهبری در یک قاره نشنه رهبری است...». و نقش «رهبر نمونه اروپایی» به‌هیچ‌وجه در حد توان و زور «ماکرون» «پلی بوی» نیست. «تایم» می‌نویسد، او «ایده جهانی شدن» را مطرح می‌کند، اما «به سطح یک رهبر نمی‌رسد». در دوران «مکرون»، «اقتصاد کشور در حال رشد نیست و تضادها در جامعه بیشتر شده‌اند». می‌توان ساده‌تر بیان کرد: «ماکرون» به‌عنوان یک سیاستمدار کوچک و وابسته است. «اردوخان» بدون این که تحقیر خود را پنهان کند، گفت: «من در میان سیاستمداران اروپا فردی را نمی‌بینم که بتوان او را یک رهبر نمونه اروپایی نامید». فقدان دولتمردان در غرب به‌معنای دقیق این کلمه مورد توجه پیشکسوتان عرصه سیاست جهانی است. اخیراً کتاب «رهبری: شش پژوهش در ستراتیژی جهانی» اثر هنری کیسینجر منتشر شد. نویسنده بخوبی ضمن شناخت موضوعی که درباره آن صحبت می‌کند، به فقدان مدیریت دولتی سالم در جهان، کمبود اهداف ستراتیژیک، کمبود جدیت فکری در بین سران کشورها و دولت‌ها اشاره می‌کند. «کیسینجر» می‌گوید دانشگاه‌ها «فعالان و متخصصان» تولید می‌کنند، نه رهبران را. «سیلویو برلوسکونی»، یکی دیگر از کهنه‌کارها، می‌گوید که اروپا در دهه‌های آینده در معرض خطر تبدیل شدن به «گلدانی سفالی در میان ظروف آهنی» مواجه است و در ادامه وی خیال‌پردازی می‌کند: «برلوسکونی» در «ژورنال» می‌نویسد: «یکبار دیگر متأسفم که برخی از رهبران اروپایی تلاش‌های من برای کشاندن روسیه به اردوگاه غرب را تحریم کردند [که انگار این امکان وجود داشت] ... روسیه از غرب منزوی شده است. اما غرب از همه جهان منزوی شده است». اما مورد آخر درست است.

روزنامه بلغاری «ترود» می‌نویسد: «تا به حال هرگز در اروپا چنین تجمعی از شخصیت‌های سیاسی غم‌انگیز وجود نداشته است: به‌نظر می‌رسد ... آنها در راه نابودی نهایی اروپا هستند». نتیجه این وضعیت نیمه‌جان را روزنامه صربی «Pechat» در مقاله «فیلیپ ژیانوویچ» پیش می‌کشد: «به تعبیر "کورزیو مالاپارته"، می‌توان گفت که ایده اروپایی آزادی در حال تبدیل شدن به مترادف ناامیدی است. "طاعون" که پس از ناپل ۱۹۴۳ دوباره امریکائی‌ها آن را به اروپا خواهند آورد و در سراسر اروپا گسترش خواهد یافت، نه به جسم، بلکه به روح ضربه می‌زند و کل معنای زندگی یک فرد اروپایی را به مبارزه برای زنده ماندن معمولی محدود می‌کند. مردم اروپا در گذشته تاریخی بزرگ خود، برای نجات جان خود جنگید تا نمیرد. اکنون اروپایی‌ها ناگزیرند مبارزه کنند تا زنده بمانند و گلیم خود را از آب بیرون بکشید».

[* https://www.fondsk.ru/news/2022/09/05/katastrofa-evropy-liderov-net-57113.html](https://www.fondsk.ru/news/2022/09/05/katastrofa-evropy-liderov-net-57113.html)